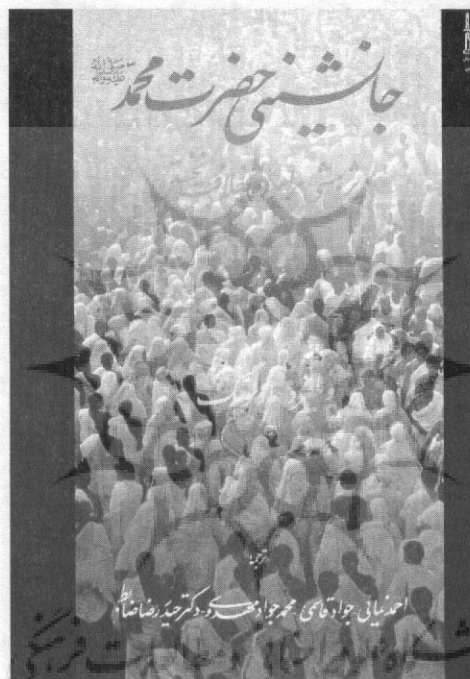


جانشینى محمد(ص)

بررسی خلافت صدر اول و ترجمه فارسی آن

● علیرضا هدائی



*The Succession
to Muhammad*

(A study of the early caliphate)

Wilferd Madelung

Cambridge university press

1996

* گستردگی منابع
مورد استفاده مادلونگ،
که فهرست آنها
در کتابشناسی جامع پایان کتاب
آمده است،
نشان از بررسی وسیع او
در این باب دارد
که به بحثهای مختلف
کتاب غنایی قابل توجه می بخشد

جانشینى محمد(ص) نوشته ویلفرد مادلونگ، کتابی که در ششمین دوره گزینش کتاب برگزیده جهانی سال (دهه فجر ۱۳۷۷) از سوی وزارت فرهنگ و ارشادجمهوری اسلامی ایران جایزه بهترین کتاب را دریافت کرد، در پی آن است تا با بررسی حوادثی که در پی رحلت پیامبراکرم (ص) برجامعه اسلامی گذشت، تحلیلی از مساله جانشینى آن حضرت به دست دهد. مادلونگ، که یکی از اسلام پژوهان برجسته معاصر است، می کوشد با استفاده از قرآن و منابع دست اول اهل تسنن - و احيانا تشیع - و نیز مطالعات انجام شده از سوی اسلام پژوهان غربی نگاهی دوباره به این حادثه بنیادین صدر اول بیفکند و آن را به گونه ای علمی موردباز بینی قرار دهد. نقص یا عدم اتخاذ شیوه های علمی از سوی اسلام پژوهان غربی منجر به نتایجی شده است که مادلونگ را خرسند نساخته، بدین جهت با قصد نوشتن یک تک نگاهت درباب خلافت صدر اول کار را آغاز می کند، اما سرانجام طرح خویش را بسط می دهد و کتاب حاضر را عرضه می دارد. گستردگی منابع مورد استفاده مادلونگ، که فهرست

کتاب جامع علوم انسانی

- جانشینى حضرت محمد(ص)
- (پژوهشی پیرامون خلافت نخستین)
- ویلفرد مادلونگ
- ترجمه احمد نمایی، جواد قاسمی، محمدجواد مهدوی، دکتر حیدررضا ضابط
- بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷.
- The succession to Muhammad
- (A study of the early caliphate)
- Wilferd Madelung
- Cambridge university press
- 1996



*** مادلونگ، که یکی از اسلام پژوهان برجسته معاصر است، می‌کوشد با استفاده از قرآن و منابع دست اول اهل تسنن - و احیانا تشیع - و نیز مطالعات انجام شده از سوی اسلام پژوهان غربی دوباره به این حادثه بنیادین صدر اول بیفکند و آن را به گونه‌ای علمی مورد بازبینی قرار دهد.**

آنها در کتابشناسی جامع پایان کتاب آمده است، نشان از بررسی وسیع او در این باب دارد که به بحثهای مختلف کتاب غنایی قابل توجه می‌بخشد. نزدیک به یکصدوپنجاه کتاب و مقاله از عالمان مسلمان - البته اغلب سنی - و اسلام پژوهان غربی منابع تحقیقی کتاب را تشکیل می‌دهند که از این میان فقط ۱۱ منبع، شیعی است. گرچه نه همیشه، مادلونگ اغلب منابع مربوط به هر واقعه یا تحلیل را، بعضا همراه با توضیح، در پانویس‌های هر صفحه ذکر می‌کند و بدین‌سان براعتبار علمی کتاب می‌افزاید.

ضبط صحیح اسامی و اصطلاحات عربی، دیگر خصوصیت قابل توجه کتاب است. همچنین گاهشماری نسبتا جامع در آغاز کتاب آمده است که حوادث مهم صدر اسلام از هجرت مسلمانان به حبشه تا مرگ مروان را با تاریخ قمری و میلادی آن باز می‌گوید. نیز دو نمودار از سلسله انساب هاشمیان و امویان ارائه شده که بسیار مفید است و در برخی تحلیلها به خواننده یاری می‌رساند. گرچه استفاده نکردن به میزان کافی از منابع و تحلیل‌های شیعی در تحلیل مساله خلافت موجب شده است که گاه عباراتی کاملا نادرست از خامه مادلونگ تراوش کند (که تنها به برخی از آنها اشاره می‌کنیم، از جمله اینکه قرآن هیچ پیش‌بینی یا حتی اشاره‌ای به جانشینی پیامبر نکرده است. L. 2 و P. 20، تصریح به بت پرست بودن پدر ابراهیم 23. L. و P. 10، رد کردن اینکه منظور از قل لا استلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی، درخواست دوستی اهل بیت پیامبر (ص) است. P. 13، نسبت نادرست به امیرالمومنین (ع) در قضیه افک P. 42 و... در مجموع به گونه‌ای علمی و منصفانه به این امر پرداخته و کوشیده است در تحلیل‌های خود روایات صحیح را از سقیم باز شناسد و نقل‌های مغرضانه و متعصبانه را برای خواننده بیان کند.

* مادلونگ در مدخل کتاب، طی ۲۷ صفحه، نگاهی به مساله خویشاوندی در قرآن می‌افکند و ضمن برشمردن دستورهای کتاب الهی به حفظ پیوندهای خویشاوندی، نتیجه می‌گیرد که لطف و مهربانی به خویشاوندان و حمایت مادی از آنها یک الزام دینی اساسی در قرآن است. آنگاه به تفصیل به نقش حیاتی خانواده‌های پیامبران پیشین در حمایت و پشتیبانی از آنان از دیدگاه قرآن می‌پردازد و می‌گوید که قرآن، این خویشاوندان را وارثان مادی و معنوی آن پیامبران تلقی کرده است. سپس آیات خمس و فیء و نیز قضیه مباحله را ذکر و برداشت می‌کند که قرآن، اهل بیت پیامبر را دارای شانی بس والاتر از سایر مومنان دانسته است. و سرانجام اینگونه استنتاج می‌کند: «تا آنجا که قرآن اندیشه‌های محمد را بیان کرده است روشن است که او نمی‌توانسته ابوبکر را جانشین طبیعی خود تلقی کند یا از جانشینی او خرسند باشد (P. 16).»

این تحلیل مادلونگ گرچه از یک سو مثبت است و عدم صلاحیت دیگران را برای جانشینی پیامبر اکرم (ص) به اثبات می‌رساند، از سوی دیگر منفی است و با نادیده گرفتن تمامی شایستگی‌های امیرالمومنین (ع) برای خلافت، بیان می‌کند که آن حضرت صرفا به دلیل پیوند نسبی

بپیامبر (ص) می‌بایست بر مسند جانشینی رسول خدا تکیه زند.

فصل اول کتاب، تحت عنوان ابوبکر، جانشین رسول خدا و خلیفه قریش، طی ۲۹ صفحه بازگو کننده حوادثی است که در سقیفه بنی‌ساعده گذشت و ماجرای بیعت با ابوبکر، آن‌انکه با او بیعت نکردند، و دیگر حوادث مربوط به سقیفه را به تفصیل ذکر می‌کند. نکته عمده‌ای که مادلونگ از تحلیل زندگانی ابوبکر استنتاج می‌کند، این است که او به عنوان یک تاجر و سیاستمدار کامل و خونسرد مکی قطعا پیشامدهای رحلت را از پیش با دقت بررسی کرده بوده است و می‌دانسته که برای حفظ یکپارچگی جامعه، پیامبر باید جانشین سیاسی و خلیفه داشته باشد. حوادث بعدی نشان می‌دهد که او بی تردید پیش از رحلت تصمیم گرفته بوده است خود بر این مسند تکیه زند. بدون اینکه از سوی پیامبر برای این کار نامزد شده باشد. و در این راه مخالفان قدرتمند خود را از میان بردارد. اقدام انصار در گردآمدن در سقیفه بنی‌ساعده این فرصت طلایی را برای او فراهم ساخت تا در یک عمل نمایشی دو نامزد (عمر و ابوعبیده) را معرفی کند تا خود را در معرض پیشنهاد قرار دهد و بدینسان به هدف از پیش تعیین شده خود دست یابد. به همین جهت است که ابوبکر پس از استقرار خویش، به شدت بر اشراف قدیم مکه تاکید می‌کند و مناصبی کلیدی را بدانان می‌سپارد، تا از این طریق انصار را بطور کامل حذف کند و از نقش مهاجرین اولیه نیز بکاهد.

فصل دوم کتاب تحت عنوان عمر، امیر مومنان، شایسته سالاری اسلامی، شورا، و امپراطوری عربی، طی ۲۱ صفحه ضمن بیان اینکه با توجه به دشمنی سرسختانه اکثر قریش با پیامبر (ص) حاکمیت بخشیدن به آنان از سوی ابوبکر هیچ توجیه قرآنی نداشت در حالی که برتری بخشیدن به مهاجران نخستین و اسلام آوزندگان پیش از فتح مکه بر دیگران به صراحت در قرآن ذکر شده است، نیز ادعای اینکه عمر همواره مطلقا و بی هیچ قید و شرطی از اصول اسلام دفاع کرده و در زمان پیامبر بارها با برقراری روابط سیاسی با دشمنان مکی مسلمانان مخالفت کرده بوده، نتیجه می‌گیرد که: «عمر شخصاً بر دو اصل قرآنی تکیه کرد؛ سابقه و شورا در اداره جامعه اسلامی.» (۵۸) آنگاه به تفصیل به بیان تلاشهای عمر برای محدود کردن قدرت اشراف مکه به نفع صحابه، توجه او به شورا، نیز تلاشهایش برای محدود ساختن بنی‌هاشم از یک سو و جلب آنان به سوی خود از سوی دیگر اشاره می‌کند و فصل را با ستایش از عمر به پایان می‌برد.

فصل سوم کتاب، تحت عنوان عثمان، خلیفه خدا و سلطه بنی‌عبدشمس، طی ۶۳ صفحه با اشاره به موقعیت برتر عثمان نسبت به ابوبکر و عمر - بدان جهت که دوبار داماد پیامبر شده بود - و بیان اینکه اعضای شورا عثمان بازگان و ثروتمند را که هیچگونه جاه‌طلبی سیاسی در سر نداشت نه برای بهره‌گیری از ضعف و عدم قابلیت او بلکه به عنوان تنها رقیب قدرتمند علی پیش انداختند، می‌گوید که عثمان با اعتقاد به اینکه مورد تایید خداوند است، لقب خلیفه الله - و نه خلیفه رسول الله - را برای خود برگزید و در نتیجه این باور از هرگونه اعتراضی به رفتار آزادانه خویش در استفاده از ثروت

و قدرت اظهار نارضایتی می‌کرد. مادلونگ آنگاه به بیان خویشاوندگرایی افراطی عثمان و اینکه او احتمالا در صدد بوده است با برداشتن موانع موجود، خلافت را در خاندان خود موروثی کند و سپس ذکر تفصیلی حوادثی که منجر به نارضایتی مردم و شورش علیه عثمان و سرانجام کشته شدن او شد، می‌پردازد.

فصل چهارم، که مفصلترین بخش کتاب است، تحت عنوان علی، واکتف بنی‌هاشم نسبت به خلافت طی ۱۶۹ صفحه با ذکر بیعت مردم با امیرالمومنین (ع) و مسائل، مربوط بدان، از جمله عدم استفاده از خشونت در بیعت گرفتن آغاز می‌شود؛ با بیان تفصیلی حوادث دوران کوتاه خلافت ظاهری آن حضرت و جنگهای جمل، صفین، و تهروان ادامه می‌یابد؛ و با شرح اموری که به شهادت ایشان انجامید به پایان می‌رسد. این فصل با نگاهی علمی به تاریخ، در مجموع به گونه‌ای منصفانه وقایع دوران حکومت حضرت امیر (ع) را تحلیل و بررسی می‌کند.

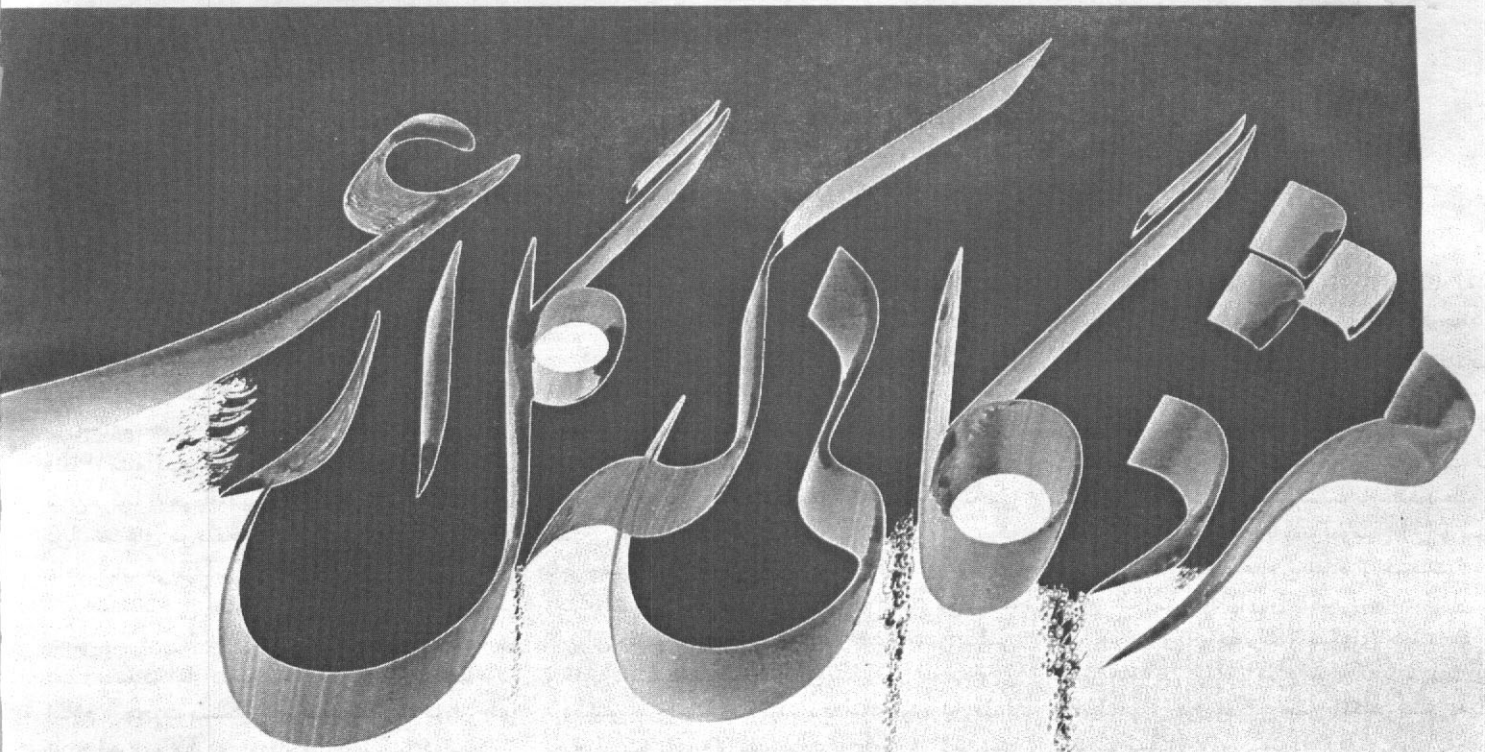
بخش نتیجه‌گیری کتاب، تحت عنوان باز ساخت جامعه و پادشاهی استبدادی طی ۴۵ صفحه به حوادث پس از شهادت حضرت امیر (ع)، آنچه میان امام حسن (ع) و معاویه گذشت، شهادت امام حسن (ع)، سرنوشت چند تن از بزرگان صدر اسلام که در زمان امویان می‌زیستند، تلاش معاویه برای جانشینی یزید، و استقرار حکومت امویان و مسائل مربوط بدان می‌پردازد و در این میان بطلان برخی افسانه‌های تاریخی (همچون تعداد زیاد زنان و فرزندان امام حسن (ع)) را آشکار می‌سازد.

* کتاب، پیوستی ۳۲ صفحه‌ای دارد که به ترتیب وبه تفصیل این هفت مساله را مورد بررسی قرار می‌دهد: تدفین محمد (ص)، میراث محمد (ص)، ازدواجهای عثمان بن عفان، اراضی خالصه در عراق در زمان حاکمیت عمر، یادداشت‌هایی در باب منابع در ارتباط با حیران خلافت عثمان، موسی بن طلحه و امویان، و ازدواجها و فرزندان حسن بن علی [علیهما السلام].

و اما ترجمه فارسی کتاب

ترجمه فارسی کتاب علی رغم روانی آن که ابتدائالذنین می‌نماید، مع الاسف مشحون از اغلاط و بی‌دقتی‌هاست. اصولا به کارگیری چهار مترجم برای یک کتاب ۳۸۷ صفحه‌ای که کلا به یک موضوع می‌پردازد، توجیه منطقی ندارد. بدون اینکه خدای ناکرده قصد کم ارزش جلوه دادن زحمات مترجمان محترم در میان باشد، باید گفت که لازم بوده است ناشر محترم به جای استفاده از چهار مترجم و یک ویراستار تطبیقی (عنوانی که در ص هشت کتاب آمده و معلوم نیست با وجود اغلاط بیشمار ترجمه، نقش ایشان چه بوده است) کار ترجمه را به یک مترجم توانا بسپرد تا سرانجام، کاری پذیرفتنی ارائه شود. انتظار می‌رفت ناشر محترم به این نکته ساده توجه کند که اثر فنی و علمی اسلام پژوه برجسته‌ای همچون ویلفرد مادلونگ بیچیده تر از آن است که هر کسی بتواند از عهده ترجمه آن برآید.

اغلاط ترجمه (که به گونه‌ای گزینش تصادفی بدانها اشاره می‌شود) طیف وسیعی را تشکیل می‌دهد؛ از ترجمه غلط مفرداتی همچون background به معنای «پیشینه،



support this in terpretation.

- ترجمه صحیح: «علی رغم معنای روشن شیعی، اکثریت مطلق روایاتی که طبری در تفسیر خود براین آیه نقل می‌کند این تفسیر را تایید می‌کنند.»

- ترجمه کتاب: «صرف نظر از معنی مشخص آن از نظر شیعه، طبری در تفسیرش به نقل از اکثر روایان این تفسیر را تایید می‌کند.»

۲. ب . L. 24 , P. 28: ص ۴۷ سطر سوم پاورقی شماره ۱:

lengthy account discussed and partly edited by Muranyi is later and filled with The fictitious speeches and Poetry.

- ترجمه صحیح: «روایت طولانی که مورانی آن را مورد بحث قرار داده و اندکی اصلاح کرده است، متاخر و مملو از سخنان خیال‌انگیز و شعر است.»

- ترجمه کتاب: «مورانی بعد از این روایت مفصل را که بر از سخنان مجعول و شاعرانه است بررسی و اصلاح کرده است.»

۱. ج . L. 35 , P. 13: ص ۲۹، س ۵: «سنی و شیعه اتفاق نظر دارند که منظور از «ذی القربی» در این آیات فرزندان هاشم بن عبدمناف، جد محمد (ص) و مطلب برادر هاشم بودند، به استثنای فرزندان دو برادر دیگر هاشم یعنی عبدشمس (نیای امویان) و نوفل.»

- ترجمه صحیح و نیز بدون ابهام: «منابع سنی و شیعی همداستانند که مراد از «ذی القربی» در این آیات، اعیان هاشم بن عبدمناف، جد اعلای محمد [ص]، و اعیان یکی از برادران هاشم یعنی عبدالمطلب بوده‌اند؛ به استثنای دو برادر دیگر هاشم یعنی عبد شمس (نیای امویان) و نوفل.»

The Sunnite and Shi'ite sources agree that by the 'near Kin' in these verses were meant the descendants of Hashim Abd Manaf, the gretegrandfather of Muhammad, and of Hashim,s brothers al - Muttalib, to the

از درگذشت علی و برخلاف رفتار خود او در طول زندگانی‌اش، ایجادشد، عموماً صحیح تلقی شده است.»

ترجمه کتاب: «هرچند تعداد مورخان امروزی که افسانه عبدالله بن سبا را پذیرفته‌اند بسیار اندک است، این نظر کلی که انتخاب ابوبکر به جانشینی محمد (ص) صرف نظر از کوشش بی ثمر انصار مدینه برای به دست آوردن خلافت، بذاته مساله ساز نبود و اینکه شیعه بعد از شهادت علی (ع) و برخلاف میل خود او در زمان حیاتش این اختلاف را آفریدند، موضوعی است مورد قبول همگان.»

۲. الف . L. 43 , P. 15: ص ۳۱ سطر ششم پاورقی شماره ۲:

yet even if verse were merely intended extol Muhammad's religious rank abstract terms, the question would remain why his ,wives and sons. were include in it and who was meant by them. the contemporaries could hardly avoid understanding it as referring to his Ahlal - bayt.

- ترجمه صحیح: «با وجود این، حتی اگر آیه صرفاً درصدد ستودن مقام دینی محمد با واژه‌هایی انتزاعی بوده است این سوال باقی خواهد ماند که چرا «همسران و پسرانش» نیز بدان افزوده شده‌اند و مراد از آنان کیست . معاصران به سختی خواهند توانست از فهم آن به عنوان اشاره به اهل بیت محمد اجتناب ورزند.»

- ترجمه کتاب: «اما اگر منظور از این آیه فقط تجلیل از مقام دینی محمد (ص) در شرایطی کاملاً انتزاعی باشد این سوال پیش می‌آید که چرا این آیه شامل زنان و همسران او نیز می‌شود و منظور چه کسانی هستند. نویسندگان معاصر چیزی جز اهل بیت از آن استنباط نمی‌کنند.»

۱. ب . L. 3 , P. 15: ص ۳۰، س ۱۲: In spite of the obvious shi'ite singnificance, the great majourity of the reports by al - Tabari in his commentary on this verse

سابقه» به «وقایع» (L. 19 , P. 1 : ص ۱۳، س ۱۴)، the same به معنای «همان» به «مانند» (L. 21, P. 15: ص ۳۱، س ۳)، consorts به معنای «معاشران، همدمان» به «یاران» (L. 26, P. 25: ص ۴۴، س ۸) جالب است که مترجم کلمه عربی «صواحب یوسف» را نیز در ترجمه ذکر کرده، اما همچنان کلمه یادشده را به یاران ترجمه کرده است)، و... گرفته تا ترجمه غلط ترکیبها و جملات. به طور کلی تقریباً کمترصفحه‌ای از این کتاب ۵۲۷ صفحه‌ای است که عاری از غلط یا بی‌دقتی و بی‌نیاز از ویرایش و اصلاح باشد و چنانچه بخواهیم این موارد را ذکر کنیم باید تمام کتاب از نو ترجمه شود؛ بدین جهت تنها به ذکر دو نمونه از هریک از موارد زیر اکتفا می‌کنیم:

الف - جملاتی که بخشهایی از آن غلط ترجمه شده‌اند، ب - جملاتی که کاملاً غلط ترجمه شده‌اند، و ج - جملاتی که صرف نظر از درستی یا نادرستی ترجمه، از جهت ترکیب جمله فارسی اشکال داشته، نارسا و مبهمند.

۱. الف . L. 4 , P. 2: ص ۱۴، س ۱۳:

While few if any modern historians would accept Sayf's Legend of Ibn Saba, the underlying view that the succession of Abu Bakr to Muhammad was in itself - aside from the abortive attempt of the Medinan Ansar to seize the Caliphete - unproblematic and that the conflit about it was artificially created by the shi'a after the death of Ali and against his own lifelong attitude is widely taken for granted.

ترجمه صحیح: «در حالی که اندکی از مورخان جدید افسانه ابن سبای سیف را خواهند پذیرفت - و شاید هیچ کس نباشد که آن را بپذیرد - این نظر زیربنایی که تکیه زدن ابوبکر بر مسند جانشینی پیامبر خود به خود، جدا از تلاش عقیم انصار مدنی برای به دست گرفتن خلافت، مساله‌ساز نبود و اختلاف درباره آن به گونه‌ای ساختگی از سوی شیعیان پس

حکایت

باتوجه به این که تمامی خوانندگان، صاحب نظر نیستند و بدین جهت نمی‌توانند با قاطعیت موارد نادرست را تشخیص دهند، توضیح این گونه موارد ضروری بوده است.

اشکال دیگر این است که در برخی موارد بدون هیچگونه توضیحی در ترتیب مباحث دخل و تصرف شده است (از جمله در مورد مبحث هفتم پیوست‌ها؛ مقایسه کنید صفحات ۳۷۱ تا ۳۸۰ متن را با صفحات ۵۰۵ تا ۵۲۵ ترجمه).

کتاب از جهت صوری نیز دارای اشکالهایی است، از جمله اغلاط چاپی (به عنوان نمونه بنگرید به ص ۲۳ س ۱۸ و ص ۵۹ س ۱۵ که فرزندان، فرزندان و عمومی چاپ شده است)، چاپ نامناسب ترجمه‌های برخی اشعار به گونه‌ای که ابتدا و انتهای آنها به درستی معلوم نیست (مثلا بنگرید به صص ۵۸ و ۵۹)، و تقطیع صوری ناهمگون ترجمه های آیات قرآن (مثلا مقایسه کنید ص ۲۷ را با ص ۸۶).

به هر روی، امید می‌رود که از این پس در ترجمه چنین کتابهایی هم ناشران و هم مترجمان دقت لازم را به کار برند تا تلاشها و زحماتشان بهتر به بار نشیند.

پانویس:

۱. این اشتباه ناشی از این است که در انگلیس اسامی عربی به طور کامل به شکل اصلی خود نوشته می‌شوند (مثلا Yazid b. Abusufyan)، در حالی که در فارسی باید بر اساس قواعد عربی نام دوم را که مضاف الیه است به صورت مجرور نوشت.

که در مقدمه کتاب هیچ توضیحی در خصوص منعی که ترجمه آیات از آن نقل شده نیامده است و خواننده پس از کندوکاو و سرانجام مراجعه به کتابنامه در خواهد یافت که این منبع، ترجمه قرآن عبدالمحمدآیتی بوده است. ترجمه آیات در برخی موارد اشکالهایی جدی دارد که چون از منبعی دیگر غیر از کتاب مورد بحث ماست از پرداختن بدان اجتناب می‌کنیم.

اشکال بزرگ دیگری که متوجه ترجمه است افزودن لقبها و جمله های دعایی به اسامی معصومان است بدون اینکه هیچگونه توضیحی در مقدمه داده شود. درست است که حفظ حرمت پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) اصلی تخلف‌ناپذیر است، اما حفظ امانت در ترجمه نیز اصلی انکارناشدنی است و نباید بدون هیچگونه توضیحی چنان عمل کرد که خواننده فارسی زبان بپندارد نویسنده کتاب نه تنها مسلمان بلکه یک شیعه تمام عیار است (در حالی که آقای مادلونگ یک اسلام پژوه غیرمسلمان است و بر روی جلد و پشت جلد کتاب نیز این شکل نقش بسته: الله، محمد، ابوبکر، عمر، عثمان، علی!).

در این امر گاه چنان افراط شده که در یک جاسختن عمر را اینگونه ترجمه کرده‌اند: «عمر گفت: آری، پیامبر (ص) در مورد خلافت او سخنی فرمود ولی نه آن گونه که حجتی را ثابت کند و عذری باقی نگذارد. آری، زمانی در آن باره چاره‌اندیشی می‌فرمود، البته پیامبر در بیماری خود می‌خواست به نام او تصریح فرماید...» (ص ۹۷، س ۶).

نکته دیگر اینکه برخی پاورقی‌ها با نشانه‌های متمایز شده‌اند که در این خصوص دو مطلب قابل توجه است. یکی این که در مقدمه توضیح داده نشده که این اضافات از مترجمان است و خواننده باید خود با مراجعه به متن انگلیسی یا با تامل در محتوای جملات بدین نکته پی برد، دیگر اینکه فقط چند مورد در آغاز کتاب از این اضافات توضیحی بهره‌مند شده‌اند و معالاسف تحلیل‌های غیرشیعی کتاب هیچ توضیحی ندارند.

exclusion of the other two brothers of Hashim, Abd Shams (the ancestor of the Umayyads) and Nawfal

ج. P. 13, L. 41: ص ۲۹، سطر آخر پاورقی شماره ۱: «منظور عبدیغوث بن وهب بن عبدمناف از قبیله زهره دایی محمد (ص) است.»

- ترجمه صحیح و نیز بدون ابهام: «مراد از آنان، اعقاب دایی مادری محمد [ص] یعنی عبدیغوث بن وهب بن عبد مناف از قبیله زهره است.»

The descendants of Muhammaad's materua uncle 'Abd Yaguth b. Wahb b. 'Abd Manaf of the clan of Zuhra are ment.

برخی اسامی نیز به غلط به فارسی برگردانده شده‌اند، از جمله کایتانی (که صحیح آن کاتتانی است)، گلدتسیهر (که صحیح آن گلذیهر است)، و اسامی عربی همچون عبدالله بن ابوبکر (ص ۶۶، س چهارم پاورقی شماره ۱)، عکرمه بن ابوجهل و یزید بن ابوسفیان (ص ۶۹، س ۱۴ و ص ۷۰، س ۱۴)، معاویه بن ابوسفیان (ص ۹۰، س ۱)، و... که صحیح آنها به ترتیب عبدالله بن ابی بکر، عکرمه بن ابی جهل و یزید بن ابی سفیان، و معاویه بن ابی سفیان است. (۱)

با وجود این همه اشکال، در برخی موارد مترجم برای نشان دادن دقت خویش، از آوردن مراجع ضمایر به جای خود آنها در متن ترجمه که امری معمول، روا، و برخی اوقات ضروری است اجتناب کرده آنها را داخل کروشه قرار داده است! (مثلا بنگرید به صص ۶۷ و ۶۸).

در برخی موارد نیز اغلاط عربی وجود دارد، از جمله در ص ۶۱ س ۱۲ عبارت «سید بر امرنا حتی یکون آخرنا» کاملاً غلط اعراب‌گذاری شده است.

در اینجا از پرداختن به اشکال‌های کتاب در برخی موارد در خصوص به کارگیری نادرست نشانه‌های سجاوندی که احیاناً موجب ابهام یا تغییر معنا می‌شود، یا از معدود اغلاط نگارشی صرف نظر می‌کنیم.

نکته دیگری که درباره ترجمه قابل ذکر است، این است